

اشاره:

در هشتمین اجلاس سران کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی در تهران، در بخش همکاری‌های اقتصادی و تجاری، ایجاد بازار مشترک اسلامی مورد توافق قرار گرفت.

راه‌های حصول به این هدف و آماده‌سازی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی برای ایجاد بازار مشترک اسلامی و نیز ورود به قرن بیست و یکم، مهم‌ترین بخش مذاکرات اقتصادی اجلاس تهران را تشکیل داد و تفاهم‌نامه‌های بسیاری نیز در این زمینه امضاء و ردوبدل شد.

با این وجود، راه‌های دستیابی به اهداف از نظر کارشناسان اقتصادی، طولانی، تدریجی و مستلزم بسط همکاری‌های چندجانبه میان مسؤولان دولتی و دست‌اندرکاران بخش خصوصی در کشورهای اسلامی است.

امید آنکه تلاش‌ها برای ایجاد بازار مشترک اسلامی، تداوم و سرعت یابد و این بازار در آینده نه‌چندان دور تشکیل گردد تا ملل مسلمان بتوانند حتی‌الامکان نیازهای خود را از یکدیگر تأمین کنند و میزان وابستگی

اقتصادی‌شان به غرب کاهش یابد.

خبرنگار نشریه «بررسی‌های

بازرگانی» در گفت‌وگو با دکتر

علی شمس اردکانی، دبیرکل اتاق

بازرگانی و صنایع و معادن ایران،

مزایای تشکیل بازار مشترک

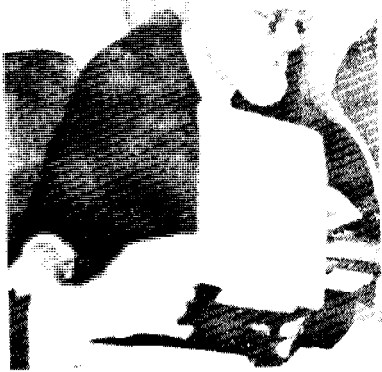
اسلامی، راه‌های تحقق بخشیدن

به این بازار و مشکلات فراراه آن

را جویا شد.

با هم ماحصل این گفت‌وگو را

می‌خوانیم.



وابستگی بیشتری دارند.

■ برای آنکه کشورهای اسلامی بتوانند بازار مشترک

اسلامی را محقق سازند، چه باید بکنند؟

□ برای ایجاد بازار مشترک اسلامی، ابتدا باید ساختار تصمیم‌گیری اقتصادی عوض شود. در دیگر کشورهای اسلامی، این ساختار به سوی مردمی شدن، حرکت خود را آغاز کرده است، اما در ایران، تشریفات اداری بر نظام اقتصادی حاکم شده است. ضرورت دارد که در مرحله نخست، فعالیت‌های اقتصادی توسط مردم انجام شود و دولت بر آن نظارت کند.

زمانی که دولت، تصدی امور بازرگانی را در دست دارد،

■ ایجاد بازار مشترک اسلامی بر چه مبنایی قابل تحقق

است و چه مزایایی دارد؟

لا بازار مشترک اسلامی مانند هر بازار مشترک دیگر با هدف افزایش بهره‌وری و ایجاد فرصت‌های تجاری، کشورها را در یک بازار به هم پیوند می‌دهد.

بدیهی است که مزیت اصلی در تشکیل بازار مشترک، افزایش بهره‌وری و ایجاد فرصت‌های تجاری است. اما در رابطه با تشکیل بازار مشترک اسلامی، باید گفت اقتصاد کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی هنوز ابزارهای لازم و پویای موردنیاز را ندارد، به گونه‌ای که هر یک از اعضای سازمان به قطب‌های اقتصادی خارج از جهان اسلام، پیوند و



اعضای سازمان کنفرانس اسلامی سبب می‌شود که آنها نتوانند کالاهای مختلفی را به یکدیگر صادر کنند. برای مثال سیاست‌های نفتی ایران موجب شده که بخش اعظم صادرات نفت کشور، راهی بازارهای غربی شود، در حالی که اگر نفت ایران به بنگلادش و... صادر می‌شد، به موازات آن فروش تجهیزات پالایشگاهی نیز می‌توانست صورت بگیرد. در حالی که کشورهای صنعتی غرب، نیازی به فن‌آوری ایران در صنعت نفت ندارند، اما کشورهایمانند چین، تانزانیا، بنگلادش و... آمادگی دارند که همراه خرید نفت خام، تجهیزات پالایشگاهی نیز از ایران بخرند. به این طریق می‌توان به بازار این‌گونه کشورها نفوذ کرد و کالاهای مختلفی را به آنها صادر نمود.

■ آیا ایران و کشورهای منطقه، زمینه مناسب و مساعد برای تشکیل بازار مشترک اسلامی را دارند؟

□ با نظری به کشورهای اسلامی منطقه درمی‌یابیم که ایران با سه گروه از آنها در ارتباط است:

۱- کشورهای آسیای میانه و ماوراء قفقاز

۲- کشورهای ترکیه و پاکستان

۳- کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس و عراق

روابط اقتصادی ایران با کشورهای حوزه خلیج فارس در حال حاضر در حد گذشته‌های نه‌چندان دور نیز نیست. علت نیز تشابه فعالیت‌های اقتصادی آنها می‌باشد. تمام این کشورها درآمد ارزی خود را از فروش نفت به کشورهای خارج از حوزه خلیج فارس به‌دست می‌آورند.

لاجرم از حاکمیت آن کاسته می‌شود و به عبارت دیگر اگر دولت مسؤل انجام کارهای اقتصادی باشد، نمی‌تواند ایرادهای آن را برطرف سازد. اقتصاد ایران، دولتی است و هنوز پیشرفتی در این مقوله به‌دست نیامده است.

○ اقتصاد کشورهای اسلامی برای تشکیل بازار مشترک، پویایی لازم را ندارد، زیرا هر یک از این کشورها به قطب‌های اقتصادی خارج از جهان اسلام، پیوند و وابستگی بیشتری دارند.

از سوی دیگر، مقدمات لازم برای تشکیل بازار مشترک اسلامی، هنوز فراهم نشده است، به‌ویژه آنکه برای ایجاد بازار مشترک در کشورهای درحال توسعه باید سعی دوگانه داشت. در کل نیز نمی‌توان گفت که تلاش‌های انجام شده در کشورهای درحال توسعه برای ایجاد بازار مشترک میان آنها، هنوز به جایی نرسیده و با شکست مواجه شده است.

■ آیا وجود کشورهای فقیر در میان اعضای سازمان کنفرانس اسلامی، می‌تواند مانعی در راه ایجاد بازار مشترک باشد؟

□ این امر، ربطی به کشورهای مسلمان فقیر ندارد. به‌طور اصولی کشورهای فقیر در دنیای تجارت محلی ندارند و تصمیم‌ها بر آنها وارد می‌شود، در حالی که نقش و دخالتی در تصمیم‌گیری‌ها ندارند. نبود ارتباطات تجاری لازم میان

ترکیه متصل نیست، بانک‌های ایرانی با بانک‌های دو کشور مورد بحث همکاری ندارند و...

از سوی دیگر نظام بانکی، گذرنامه، روایید، اعتبارات و صنعت ایران با کشورهای اسلامی نادرست می‌باشد. در نتیجه ایجاد بازار مشترک اسلامی در این برهه، میسر نمی‌باشد و ضرورت دارد مقدمات لازم برای آن فراهم شود.

■ آیا گروه هشت کشور اسلامی موسوم به «دی - هشت»

نمی‌توانند بازار مشترک ایجاد کنند؟

□ با کودتایی که علیه دکتر نجم‌الدین اربکان نخست‌وزیر سابق ترکیه صورت گرفت، ایده گروه هشت قربانی شده است. اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران به دولت پیشنهاد داد که برای پا گرفتن گروه هشت، دولت کمک کند تا بخش‌های فعال اقتصادی به جای دولت، ابتکار عمل را به دست گیرند. گروه هشت، توانمندی‌های اقتصادی خوبی دارند و به نظر من برای مقدمه فعالیت گروه هشت بهتر از ایده بازار مشترک اسلامی ثمر خواهد داد.

البته باید دید که سیاست‌های اقتصادی و بازرگانی جمهوری اسلامی ایران در ارتباط با یک کشور عضو چه پیشرفت‌هایی کرده است. باید مبادلات تجاری سالانه با این کشورها را افزایش داد تا به این ترتیب بازار مشترک اسلامی در سطح گروه هشت تشکیل شود.

اگر همکاری با کشورهای اسلامی واجب است، باید مقدمات آن فراهم شود. در این رهگذر باید نظام اقتصادی کشور اصلاح شود و در جهت خصوصی‌سازی، گام‌های اساسی برداشت. باید در دادوستد صداقت را پیشه کرد و از صدور اجناس ناهمگون و ناهماهنگ پرهیز کرد.

باید مقدمات لازم برای تشکیل بازار مشترک اسلامی فراهم شود تا بتوان به آن پا گذاشت. کشورهای عضو گروه هشت، پویایی تشکیل بازار مشترک را دارند، اگر از این پویایی بهره بگیرند، حرکت اولیه سریع نخواهد بود، ولی مقدمات لازم برای حرکت‌های سریع بعدی فراهم می‌شود.

○ گروه هشت، پویایی تشکیل بازار مشترک را دارد، مشروط بر آنکه بخش خصوصی پیشقدم باشد و عنان کار را در دست بگیرد و نظام بانکی، بیمه، حمل و نقل و... در چارچوب فعالیت بخش خصوصی کار کنند.

○ روابط تجاری ایران با کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس اکنون در حد چهل سال پیش نیز نیست، در حالی که آن زمان ایران شریک تجاری معتبر این کشورها بود و آب و مواد غذایی مورد نیاز آنها از ایران تأمین می‌شد.

آمارهای موجود نشان می‌دهد که چهل سال پیش، ایران بزرگ‌ترین طرف تجاری کشورهای حوزه خلیج فارس بود. در آن زمان ایران نخستین شریک تجاری معتبر بحرین، امارات و کویت بود، ولی اکنون تجارت رسمی ایران با این کشورها کاهش یافته است.

در حال حاضر رابطه تجاری ایران با کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس حتی در حد پاکستان و هند نمی‌باشد. جمهوری اسلامی ایران کالاهای ساخته شده در دیگر کشورها را از کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس وارد می‌کند.

در حالی که تا چهل سال پیش، آب، گوشت، میوه، برنج، روغن و تریبار مورد نیاز کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس از ایران تأمین می‌شد، اکنون این صادرات به فراموشی سپرده شده و جای محصولات ایرانی را تولیدات ترکیه، سوریه، لبنان و دیگر کشورها مانند شیلی گرفته است.

رابطه تجاری ایران با کشورهای آسیای میانه و ماوراء قفقاز نیز مطلوب نیست. پس از فروپاشی شوروی سابق، با وجود مزیت‌های اقتصادی و فرهنگی، ایران نتوانست در این بازارها نفوذ کند و علت آن نیز نظام اداری دولتی ایران بود. برای مثال، بانک‌ها به عنوان یک نهاد دولتی نتوانستند کوچک‌ترین اهداف ملی را در ارتباط تجاری با آسیای میانه برآورده سازند.

از سوی دیگر، سازوکار صنعتی ایران نادرست است و به همین جهت نتوانستیم بازار تجارت و صنعت آسیای میانه را به دست آوریم.

در مورد کشورهای ترکیه و پاکستان نیز باید گفت که ساختار اقتصادی ایران با این کشورها مشابه است و لذا ارتباط تجاری عمیق میسر نگردیده است. با این وصف، اگر ایران بخواهد برنج وارد کند، آن را از تایلند وارد می‌نماید نه پاکستان. در مقابل پاکستان نیز رزین مورد نیاز خود را از عربستان وارد می‌کند، نه ایران.

در همین حال، خطوط انتقال نفت و گاز ایران به پاکستان و

است.

■ کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی چگونه می‌توانند خود را برای ورود به قرن بیست و یکم آماده کنند؟

□ این کشورها، از جمله ایران، باید سازوکار داخلی خود را برای ورود به اقتصاد قرن بیست و یکم آماده کنند. باید سیاست‌های خود را با هم تطبیق دهند و از مرحله شعار به عمل متوسل شوند.

■ آیا برگزاری هشتمین اجلاس سران کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی به دستاوردهای اقتصادی مهمی دست یافت؟

□ خیر، برای آنکه برنامه‌ریزی اقتصادی برای آن نشده بود. هیچ‌گونه تماسی برای همکاری در برقراری اجلاس با اتاق بازرگانی صورت نگرفته بود. نظرات اتاق نیز در این همایش ملحوظ نشد.

با وجود آنکه دبیر اتاق اسلامی در تهران بود، ولی هیچ دعوتی از مسؤولان اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران صورت نگرفت.

■ کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی در زمینه انتقال فن‌آوری و دانش فنی، چگونه می‌توانند با یکدیگر همکاری کنند؟

□ بهترین راه تقسیم کار میان این کشورها براساس یک برنامه تنظیم شده می‌باشد. براساس این برنامه، هر کشور باید در صنعتی که مزیت نسبی دارد، فعالیت خود را تکامل بخشد. برای مثال اندونزی در صنعت هواپیماسازی، مصر در صنعت پارچه‌بافی، ایران در صنایع فلزی و... به تکامل برسند و مکمل یکدیگر شوند و از طریق همکاری میان خود به این سیر تکاملی سرعت بدهند.

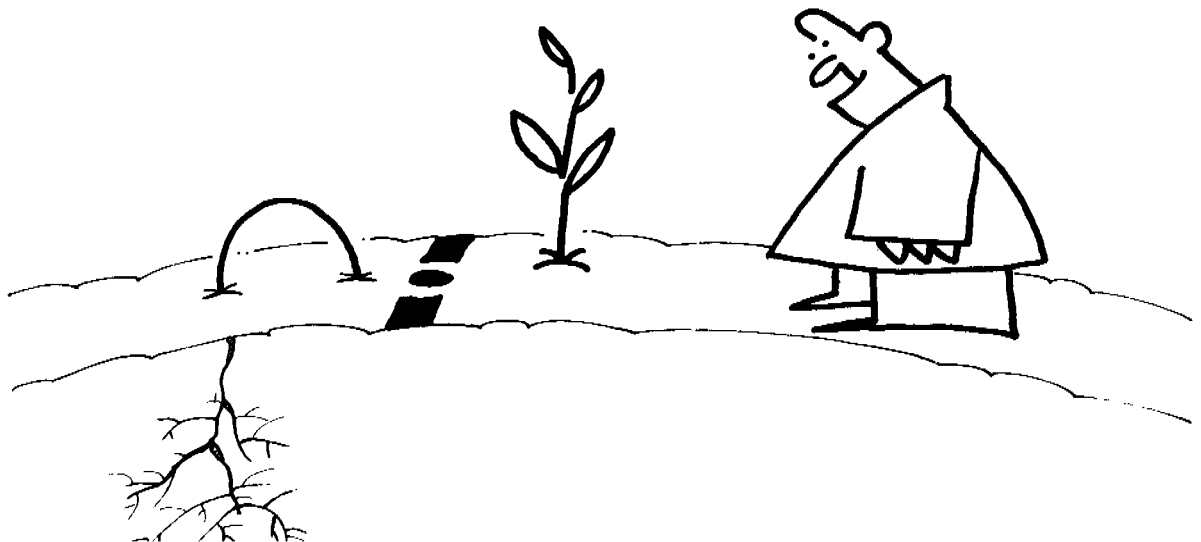
البته این قضیه نباید در چارچوب فعالیت‌های دولتی صورت گیرد، بلکه بخش خصوصی باید پیشقدم باشد و عنان کار را در اختیار بگیرد. در همین راستا ضرورت دارد که نظام بانکی، بیمه، حمل و نقل و... در چارچوب تلاش‌های بخش خصوصی فعال شوند.

وضعیتی مشابه ایران، اکنون در اکثر کشورهای اسلامی حاکم است و تجارت از دولت جدا نیست. در تجارت میان کشورهای اسلامی، مشکلات ساختاری هست، در حالی که در تجارت بین کشورهای صنعتی این مشکلات وجود ندارد.

○ سهم کشورهای اسلامی در تجارت جهانی با کاهش بهای مواد صادراتی آنها در بازارهای بین‌المللی طی سال‌های اخیر کاهش یافته است.

■ با توجه به روند تجارت جهانی و حضور فعال سازمان جهانی تجارت در عرصه روابط بازرگانی، وضع مبادلات تجاری و اقتصادی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی را چگونه ارزیابی می‌نمایید؟

□ اکثر کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی، کشورهای توسعه نیافته و یا در حال توسعه می‌باشند که نقش عمده‌ای در سازمان جهانی تجارت ندارند. از آن گذشته سهم کشورهای اسلامی در تجارت جهانی کاهش یافته است، زیرا فاصله میان آنها و کشورهای غنی بیشتر شده است. کشورهای اسلامی، صادرکننده مواد خام هستند که در سال‌های اخیر، قیمت آنها سیر نزولی داشته و بنابراین ارزش مبادله کالاهای صادراتی آنها در سال‌های اخیر کاهش یافته



کشور، کارشناسان کشورهای اسلامی آموزش ببینند. در مجتمع‌های پتروشیمی، ذوب آهن، راه آهن و...

ایران می‌تواند با آموزش نیروی انسانی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی، پل‌های مقدماتی را برای ایجاد ارتباط اقتصادی بین افراد و بنگاه‌های اقتصادی فراهم کند. مبنای ایجاد بازار مشترک اسلامی، ایجاد ارتباط اقتصادی بین افراد و اتباع کشورهای اسلامی است و ضرورت دارد که ایران پل‌های ارتباط بین مسلمانان را برقرار سازد.

■ **به نظر شما کشورهای ترکیه، مالزی و اندونزی که در سال‌های اخیر از رشد سریع صادرات بهره‌مند شده‌اند، در درون سازمان کنفرانس اسلامی چه جایگاهی دارند؟**

□ آنها نسبت به بقیه کشورهای اسلامی حرف بالاتری می‌زنند. مالزی با وجود درگیری در بحران اقتصادی، در دسامبر ۹۷، ۷/۵ میلیارد دلار صادرات غیرنفتی داشت، در حالی که ارزش کل صادرات غیرنفتی ایران در سال ۷۵ حدود ۳ میلیارد دلار بود. حرف‌های اقتصادی ترکیه، مالزی و اندونزی خریدار دارد.

■ **آیا کشورهای اسلامی آمادگی لازم برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی را دارند؟**

□ بسیاری از کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی، آمادگی جذب سرمایه‌گذاری خارجی را دارند، مانند مالزی، اندونزی، ترکیه و مصر. مالزی در صنایع خودروسازی، برق و رایانه پیشرفت قابل توجهی داشته و در دسامبر ۹۷ ارزش این سری از کالاهای صادراتی‌اش به ۲/۵ میلیارد دلار رسید. اندونزی در صنایع شیمیایی، کاغذ، پارچه، خودرو و هواپیما و ترکیه نیز در صنایع غذایی، فولاد، شوینده‌ها و بسته‌بندی، سرمایه‌گذاری خارجی جذب کرده‌اند.

با وجود سرمایه‌گذاری کلان بر روی نیروی انسانی در پانزده سال گذشته، ایران نیز می‌تواند در صنایع دارای فن آوری بالا، برق و الکترونیک، فلزکاری و پتروشیمی سرمایه‌گذاری خارجی جذب کند.

○ **ایران می‌تواند در هر مقوله اقتصادی «دوره آموزشی» ایجاد کند و کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی به این دوره‌ها دعوت شوند. مبنای ایجاد بازار مشترک، ایجاد ارتباط اقتصادی بین اتباع کشورهای اسلامی است.**

○ **کشورهای اسلامی باید سازوکار داخلی خود را برای ورود به اقتصاد قرن بیست و یکم آماده کنند. باید سیاست‌های خود را تطبیق دهند و از مرحله شعار به عمل وارد شوند.**

تقسیم کار میان کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی سبب می‌شود که مزیت‌های نسبی آنها بروز کند و به فن آوری مربوطه دست پیدا کنند. این کشورها باید از یکدیگر دانشجو بپذیرند و آنها را آموزش دهند.

بهتر است سازمان‌های دولتی در کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی در بخش انتقال فن آوری پیشقدم شوند، زیرا آنها حاکمیت اقتصادی را در دست دارند.

در حال حاضر همکاری فن آوری میان کشورهای اسلامی یا وجود ندارد و یا در برخی موارد به‌طور مطلوب مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. ضرورت دارد که توانمندی‌های فن آوری این کشورها معرفی شوند و مورد استفاده قرار گیرند. تبادل دانشجو و کارشناس در این بخش اهمیت دارد. متأسفانه هزینه به‌دست آوردن روایت ایران برای کشورهای مسلمان گزاف است و کمتر کسی می‌تواند به ایران سفر کند.

■ **برای فعال شدن بخش خصوصی در کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی و همکاری میان آنها چه باید کرد؟**

□ این بخش باید از پویایی لازم برخوردار شود و کالاهای متنوعی برای عرضه داشته باشد. از سوی دیگر لازم است ارتباط مستقیم بین بانک‌ها، شرکت‌های بیمه، حمل و نقل و... کشورهای اسلامی برقرار شود، تا تجارت میان آنها سودآور گردد و سود آن نیز به جیب شرکت‌های مسلمان برود. در حال حاضر با وجود معاملات غیرمستقیم بین کشورهای اسلامی، سود تجاری نصیب شرکت‌های ثالث می‌شود.

■ **ایران به عنوان رییس سازمان کنفرانس اسلامی، چه اقدام‌هایی در جهت پیشبرد اقتصاد کشورهای عضو می‌تواند انجام دهد؟**

□ ایران می‌تواند در هر مقوله اقتصادی «دوره آموزشی» ایجاد کند و کشورهای عضو سازمان را به این دوره‌ها دعوت نماید.

بر مبنای یک برنامه اجرایی، ایران می‌تواند تکنیسین‌های مسلمان را برای آموزش به کارخانه‌ها دعوت کند و به‌طور گروهی آنها را آموزش دهد. باید در تمام کارگاه‌های بزرگ

بهبود بخشند تا بتوانند در نظام تجارت و بازار جهانی و نیز بازار کشورهای اسلامی جایی به دست آورند.

به طور کلی ایران موقعیت ممتازی برای تبدیل شدن به مرکز نوعی بازار اسلامی را دارد. ایران با تعدادی از کشورهای اسلامی مرتبط است، ولی موقعیت بی نظیر خود را در این زمینه به لحاظ ساختار و نرم افزارهای سازمانی و حقوقی نامناسب، از دست می دهد.

ضرورت دارد که نظام و ساختار اقتصاد ایران تغییر کند و نظام های توزیع، تولید، سرمایه گذاری، فروش نفت، توزیع ارز و... به سرعت اصلاح شود. باید دقت داشت که تمام نظام های اقتصاد کنونی کشور، به فقیر شدن جامعه منتهی می شود.

■ راه های صدور کالاهای با ارزش افزوده بیشتر به کشورهای اسلامی منطقه چیست؟

□ باید زمینه های لازم را برای صدور کالاهای با ارزش افزوده بالاتر فراهم کرد و در سیاست گذاری، راهبردی اتخاذ شود که در بعضی زمینه ها، ایران مصدر این نوع کالاها و خدمات بشود.

باید زمینه برای صدور برخی خدمات فنی - مهندسی، کارخانه ها و کالاهای ساخته شده فراهم شود و با ایجاد تسهیلات، آنها را به کشورهای اسلامی صادر کرد. در ضمن اتخاذ سیاست های تشویقی در زمینه فروش کالا و اعطای اعتبارات صادراتی ضرورت دارد.

در زمینه هایی که مزیت های نسبی برای صدور کالاهای با ارزش افزوده بیشتر وجود دارد، باید فعالیت آغاز شود، سپس صناعی را به عنوان پیشتان در نظر گرفت.

هنگامی که به بازار کشور مورد نظر نفوذ کردیم، صادرات انواع کالا را گسترش دهیم. از سوی دیگر ایجاد طرح های مشترک، زمینه را برای گسترش فعالیت های تجاری خارجی با کشورهای اسلامی، فراهم می سازد.

■ چه توصیه هایی به دولت برای آنکه بتواند در ایجاد بازار مشترک اسلامی فعال عمل کند، دارید؟

□ ایجاد پل ارتباطی بین بخش های خصوصی کشورهای مسلمان، تصحیح ساختار اقتصادی ایران و مردمی کردن اقتصاد، از وظایف دولت در این زمینه است. باید در تمام واحدهای بزرگ اقتصادی کشور، نیروی کاری کشورهای اسلامی آموزش ببینند.

■ مشکل عمده در جذب سرمایه گذاری مشترک میان کشورهای اسلامی چیست؟

□ مشکل اساسی در سرمایه گذاری مشترک میان این کشورها، پایین بودن میزان پس انداز ملی است. سیستم اقتصادی وقتی نتواند به مقدار کافی تولید ناخالص ملی سرانه ایجاد کند، مصرف مردم به گونه ای خواهد بود که پس اندازی صورت نمی گیرد. در کشورهایی که ایجاد سرمایه نمی شود، نمی توان سرمایه گذاری کرد و مبادله سرمایه، حرف بیهوده ای است.

□ با سرمایه گذاری های انجام شده در زمینه تربیت نیروی انسانی در پانزده سال گذشته، ایران می تواند در صنایع دارای فن آوری بالا، برق و الکترونیک، فلزکاری و پتروشیمی، سرمایه گذاری خارجی جذب کند.

در ایران نیز نرخ پس انداز ملی ناچیز است، در نتیجه انباشت سرمایه به اندازه کافی نمی باشد تا سرمایه گذاری شود. در ضمن بخشی از این سرمایه نیز از کشور خارج می شود. این امر سبب می شود که زمینه اشتغال به میزان کافی فراهم نشود و بخشی از نیروی کار متخصص و ماهر به کشورهای صنعتی یا کشورهای ثروتمند مهاجرت کنند تا کار بیابند. در نتیجه فعالیتی در زمینه افزایش ثروت ملی صورت نمی گیرد.

■ تبادل اطلاعات اقتصادی به هنگام، بین کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی اکنون چگونه است؟

□ در این زمینه دو گروه مشاهده می شوند:
۱- کشورهایی مانند عربستان سعودی، اندونزی، مالزی و... که به گردونه تجارت جهانی وارد شده اند و با استفاده از مزیت های نسبی اقتصادی شان و تشویق بخش خصوصی در دنیای تجارت برای خود جایی باز کرده اند.

۲- کشورهایی مانند ایران و پاکستان که گرفتار سیاست های بازدارنده و نظارتی هستند و تجار آنها نقشی در بازارها و اقتصاد جهانی ندارند.

کشورهای گروه نخست، اطلاعات مطلوبی از بازارهای جهانی دارند و تبادل اطلاعات بین آنها انجام می شود. اما کشورهایی مانند ایران باید ابتدا نظام اقتصاد داخلی شان را